

بخش دوم

پونديهوديان

با فرهنگ ايران زمين



پروفیسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

گفت و گوی نوزدهم

یهودیان یگانه اقلیت یکتا پرست ایران بودند که به فارسی شعر سرودند



دو صفحه از کتاب فتح نامه سروده عمرانی (راست) و کتاب خسرو و شیرین

پرسش - شما در گفت و گوهای پیشین تاکید کردید که شاهین، گرچه نخستین و بزرگترین شاعر یهودی ایرانی بود، ولی تنها سراینده نبود و یهودیان دیگری نیز در طول تاریخ ایران زمین وجود داشتند که به زبان فارسی شعر می سرودند و بخشی از اشعار آن ها برای ما به یادگار مانده است. در این جا کنجکاو هستیم بدانیم که دومین شاعر بزرگ یهودی ایران که بود؟

پاسخ - بی تردید عمرانی دومین شاعر بزرگ یهودی ایرانی است. ولی پیش از آن که به معرفی او بپردازیم لازم می دانیم بگوئیم که تا دو سه دهه پیش، و در واقع تا هنگامی که کتاب "منتخب اشعار فارسی یهودیان ایرانی" در تهران انتشار نیافته بود، دنیای علم و ادب ایران شناسی آشنائی چندانی با شعرای یهودی ایران نداشت.

پژوهشگران ادب ایران، بیشتر از نام دو سه شاعر یهودی ایرانی، مطلب دیگری در این باره نمی دانستند. آن ها بیشتر به شاهین و عمرانی، و شاید یک یا دو شاعر دیگر یهودی توجه داشتند.

من در تالیف کتاب "منتخب اشعار" از ده شاعر یهودی ایرانی که از دیدگاه من ادیبان خوبی بوده اند نام برده و نمونه هائی از اشعار آن ها را نیز آورده ام که در باره هر شاعر نیز توضیحاتی داده شده است. در همین کتاب، یک مقدمه مشروح در هشتاد صفحه، به معرفی عمومی شاعران یهودی ایرانی می پردازد.

به موازات آن، در کندوکاوهای دیگری که در مورد ادبیات یهودیان ایران انجام داده ام، رساله مفصلی را به زبان عبری نگاشتم که در آن بیش از شصت شاعر یهودی دیگر را معرفی کردم. البته این فقط معرفی بود و ما باید اشعار یکایک این شاعران را به طور جداگانه بررسی و تحلیل کنیم - به همان شیوه ای که در ایران انجام می شود. این شیوه صدها سال است که در ایران رواج دارد و تذکره های زیادی در باره شاعران نوشته شده است. می توان گفت که تلاش پژوهشی ما پیرامون شاعران یهودی ایرانی کار جدیدی است و تازه آغاز شده و شاید ده ها سال وقت لازم باشد که بتوانیم اشعار این شاعران را معرفی بکنیم.

پرسش - اجازه بدهید با کمال تواضع پرسش دیگری در این جا از شما بکنم و آن این که بر اساس آگاهی های شما از جامعه ایران و اقلیت های مذهبی در آن کشور، آیا جز یهودیان، اقلیت مذهبی دیگری هم در طول تاریخ ایران وجود داشته که این همه شاعر و اندیشمند به زبان فارسی به جامعه عرضه کرده باشد؟

پاسخ - از نظر کمیت و کیفیت، نمی توانم به این پرسش پاسخ دقیقی به دهم. ولی می توانم بگویم که اقلیت ارمنه در ایران شاعران زیادی داشته اند. آن ها فرهنگ غنی و گسترده ای دارند که به دوره اشکانیان میرسد.

پرسش - ولی آیا سروده های آنان به زبان فارسی بوده است؟

پاسخ - بسیار سپاسگزارم که این پرسش را به میان آوردید. در مورد اقلیت های دینی، یعنی ارمنه، آسوری ها، زرتشتیان و یهودیان باید گفت که فرهنگ زرتشتیان همان فرهنگ ایران باستان است و آنان زبان و فرهنگ دیگری ندارند، ولی ارمنه و آسوری ها به زبان فارسی سخن نمی گویند و از نظر فرهنگی در فرهنگ ایران ادغام و به اصطلاح آسیمیله (Assimilé) نشده و تحلیل نرفته اند. آن ها در خانه و مجامع خود به همان زبان ارمنی و یا آسوری سخن می گویند و طبیعی است که آثار فرهنگی خود را نیز به همین زبان ها می نویسند.

بنابراین از میان اقلیت های یکتاپرست در ایران، یهودیان تنها گروهی هستند که نه تنها پیشینه تاریخی خیلی طولانی تری در مقایسه با دیگران دارند، بلکه کاملاً در فرهنگ ایران زمین ادغام گردیده و ایرانی شده اند.

ما نمونه های بسیار معدودی از سروده های شاهین را در این گفت و گو نقل کردیم. ولی ببینید که چه اشعار زیبایی سروده است و حساب کنید که چه مقدار زیادی شعر گفته است که اگر می خواستیم همه آن را در این جا پشت سرهم بخوانیم دو سه سال وقت می گرفت. می توان گفت که مجموعه سروده های شاهین تقریباً هم حجم شاهنامه فردوسی است.

ولی عمرانی نیز از نظر حجم سروده ها و کیفیت اشعار خویش کمتر از شاهین نیست.

تاکید می‌کنم که یهودیان از نظر فرهنگی کاملاً ایرانی شده‌اند. تنها فرق ایرانی یهودی با ایرانی مسلمان، دین آن‌هاست. و اگر قرار شود که تشابه‌های موجود بین یهودیت و اسلام را نیز برشمردیم، می‌بینیم که واقعا چقدر به هم نزدیک هستند. ولی این از موضوع بحث ما خارج است.

و اکنون هنگام آن است که به عمرانی بپردازیم. ولی یادآوری می‌کنم که در مورد شاهین گفتیم که این نام تخلص شعری او بوده و نام واقعی او را ما نمی‌دانیم. این نکته در مورد عمرانی نیز صدق می‌کند. به احتمال بسیار، این نام واقعی او نیست بلکه تخلص شعری او می‌باشد و بسیار احتمال دارد که از نام حضرت موسی که "بن عمران" و یا "عمرانی" نامیده می‌شد گرفته شده است. یکی از کنیه‌های یهودیان آن است که می‌گویند عمرانی هستند، یعنی به تبار موسی بن عمران تعلق دارند.

از نظر تعداد اشعار، عمرانی بیش از شاهین شعر سروده است. در مورد زندگی او باید بگویم که تا هنگام انتشار کتاب "منتخب اشعار" توسط من، کسی در ایران نمی‌دانست که عمرانی در چه سالی به دنیا آمده یا چه هنگام نخستین اثر خود را به رشته تحریر کشیده است.

برای پاسخگویی به این دو پرسش، من روی دست نوشته‌هایی که از اشعار عمرانی در اختیار داریم تحقیقات بسیار کردم و همچنین در سمینار الهیات یهود در نیویورک (Jewish Theologican Sminary) و اماکن دیگر نیز به جستجو پرداختم و از روی اشعار خود او به این نتیجه رسیدم که عمرانی در سال ۱۴۵۴ میلادی به دنیا آمده است و این در حالی که برخی پژوهشگران و از جمله پروفیسور ویلهلم باخر (Wilhelm Bacher) تاریخ تولد او را خیلی دیرتر از این دانسته‌اند. البته من قصد انتقاد از باخر را ندارم - زیرا بی تردید او دانشمند بزرگی بود.

ما از چند دهه پیش از برپائی سلسله صفویه در ایران سخن می‌گوئیم که مذهب شیعه را به عنوان دین رسمی حکومت تعیین کرد.

عمرانی نخستین اثر خود را "فتح نامه" نام نهاده و در مقدمه آن توضیح می‌دهد که چرا این نام را برگزیده است. یادآوری می‌کنم که شاهین آمد و پنج صحیفه تورات را به نظم کشید. صحیفه بعدی در مجموعه کتاب مقدس یهود به "یوشع/بهوشع بن نون" (יהושע בן נון Yehoshua Ben Nun) مربوط می‌شود که در واقع سپهسالار ارتش حضرت موسی بود که ماموریت آزاد سازی سرزمین اسرائیل را از اقوام دیگری که در آن جا سکونت گزیده بودند به عهده گرفت.

یادآوری می‌کنم که حضرت موسی هنگامی که بنی اسرائیل را از سرزمین بردگی مصر آزاد ساخت و آن‌ها را به سوی خانه پدری رهنمون گشت، تا نزدیکی رود اردن همراه قوم خویش آمد، ولی به اعتقاد باورمندان، پروردگار دستور داد که او وارد سرزمین اسرائیل نشود.

یوشع بن نون سردار بنی اسرائیل بود که حضرت موسی به او ماموریت داد که قوم را وارد سرزمین اسرائیل کند و اقوام دیگر را اگر به مخالفت برخیزند مغلوب سازد.

این که عمرانی نام سروده خود را "فتح نامه" گذاشته، در واقع تکرار همان شیوه اسلامی است که هرگاه سرزمینی را به تسلط خود در می‌آوردند، آن‌گاه "فتح نامه" می‌نوشتند. در واقع واژه

"فتح" به زبان عربی، به معنی گشودن است. اشاره شاید به آن است که هر شهری را که تصرف می کردند، ابتدا دروازه ورودی آن را به روی سربازان خود می گشودند.

یوشع بن نون بود که بسیاری از شهرهای کنعان را به روی یهودیان بازگشته از مصر گشود تا بتوانند اسکان بگیرند.

در همین رابطه عمرانی "فتح نامه" خود را نوشته که از نظر عروضی شبیه "موسی نامه" شاهین است و به صورت کتاب قطوری درآمده که بیش از ده هزار بیت شعر در آن هست که میخواهم نمونه ای از آن را برای شما بخوانم:

چو اندر سرحد حشون رسیدند سر سیحون و عوج از تن بریدند
دو سلطانِ آموری را به یک بار در آوردند از پا، وقت پیکار

این در توصیف نبردهای یوشع بن نون با فرمانروایان بیگانه بود که در آن دوران بر سرزمین اسرائیل حکومت می کردند. در واقع، "فتح نامه" سرشار از داستان نبردها و فتح نقاط مختلف این سرزمین است تا قبائل دوازده گانه بنی اسرائیل دوباره بتوانند در اماکن پیشین خود اسکان یابند.

یادآوری کنیم که بنی اسرائیل یا عبریان، نوادگان حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب بودند که به دنبال قحطی در خاک خود به سرزمین مصر کوچ کردند و در آن جا به بندگی گرفته شدند تا حضرت موسی آن ها را رها ساخت و برای بازگشت به سرزمین پدری رهنمون شد.

عمرانی سرودن اشعار "فتح نامه" را از سن بیست سالگی شروع کرد. بخش های پایانی کتاب او به شرح ماجرای ملت یهود در دورانی می پردازد که آن را "عصر پادشاهان" می خوانند و دو صحیفه در کتاب مقدس به نام "پادشاهان" وجود دارد.

ولی "فتح نامه" یک باره قطع می شود و نا تمام می ماند و نیمه کاره به نظر می رسد که ما علت آن را نمی دانیم. شاید عمرانی نمی خواسته است که درباره این موضوع بیش از این شعر بگوید، و یا این که او اشعار بیشتری سروده ولی گم شده و به دست ما نرسیده است.

"گنج نامه" آخرین اثر عمرانی است و تصور می کنم که واقعاً گنجینه ای بزرگ است. او آمده و یکی از کتاب های دینی دوران تلمود را برداشته و آن را به صورت شعر در آورده است.